

اسم ستون: درس بازی نام درس: انشا

عبدالله مقدمی

چون در این صورت همه (از مدیر آموزش و پرورش منطقه بگیر تا بابای مدرسه) می‌ریزند سر معلم و با نگاه معناداری می‌گویند: «بابا بی خیال!» حالا اگر به همه بچه‌ها نمره بالا بدهد، از همان سلسله‌مراتبی که گفتم، همه دوباره یک جوری به معلم نگاه می‌کنند که مثلاً یعنی: «وقتی خودت درس خودت را جدی نمی‌گیری، از ما توقع داری؟» از آن طرف دانش‌آموز هم نمی‌داند در برابر این درس چه واکنشی نشان بدهد. اگر جدی‌اش بگیرد پدر و مادر به او می‌خندند و می‌گویند: «مسخره‌بازی درنیابور بچه ...» و در ادامه خواسته خودشان را مطرح می‌کنند. حالا همین بچه اگر بی خیال نوشتن تکلیف انشا باشد، همان پدر و مادر عزیز یقه‌اش را می‌گیرند و می‌گویند: «همه درس‌ها مهم هستند.»

انشاء، نگارش، فنون نوشتن یا اصلاً هر چیز دیگری؛ بالاتکلیف‌ترین درس تاریخ بشریت است. نه دانش آموز دقیقاً می‌داند تکلیفش چیست، نه معلم و نه حتی خود درس. البته اینجا منظور از تکلیف، آن تکلیف نیست و گرنه کدام بچه است که نداند در روزهای اول پاییز باید انشای «تابستان خود را چگونه گذراندید» را بنویسد؟ اواسط سال به تناسب زمان «فصل پاییز / زمستان / بهار را تعریف کنید» را؟ و آخر سال هم «دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟» یعنی تکلیف که مشخص است، اما تکلیف مشخص نیست ... چطوری برایتان بگویم؟ باید حتماً معلم انشا و نگارش باشید تا متوجه شوید، نشانگان (سندرم) «بلا تکلیفی نمره انشای بچه‌های مردم» یعنی چه. لاکردار درس عجیبی است. نمی‌شود به دانش‌آموزی توی این درس نمره پایین داد.

